

واکاوی نحوه جبران خسارت ایام قرار تامین بازداشت موقت متهم بی گناه و پیامدهای آن در نظام کیفری ایران

امیر پوستچی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

Gmail: amirpoostchii@gmail.com

چکیده:

رعایت اصل برائت و فرض بر بی گناهی متهم یکی از ضرورت‌های دستگاه عدالت کیفری است. اثبات گناهکاری متهم صرفاً براساس حکم قطعی محاکم صالح قضایی محرز می‌گردد لذا باید اصل را بر بی گناهی متهم قرار داد. هرچند در موارد شک نسبت به مجرم بودن متهم باید به سود او تفسیر کرد و با تفسیر مضیق او را از قافله مجرمان خارج کرد.

براساس اصل برائت، اصل بر آزاد بودن است و برای تحت نظر قرار دادن متهم که خود نوعی سلب آزادی است باید دلایل کافی در اختیار داشت و این دلایل جهت جلوگیری از هرگونه اعمال رفتارهای غیرقانونی است چون هیچ عقوبتی بدون وجود دلایل معتبر شرعی بر آن مشروع نیست و هر عقوبتی باید براساس دلیل شرعی به اثبات برسد (وروانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۳). بنابراین چون اصل بر مجرم نبودن متهم و اصل بر حفظ و رعایت حقوق فردی و اجتماعی اوست، لذا دستگاه قضایی حق هیچگونه اعمال منافی با حقوق متهم را ندارند، و قانون در این رابطه تشریفات خاصی دارد.

اصل برائت یکی از اصول بنیادین حقوق جزاست که به دفاع از اولین و مهم‌ترین حق دفاعی متهم می‌پردازد و باعث دادرسی عادلانه می‌شود. اصل برائت بیان می‌کند که اصل بر بری بودن متهم و آزاد بودن اوست و اینکه متهم همان مجرم است امری خلاف اصل است و باید آن را اثبات کرد و از آنجایی که اصل بر گناهکار نبودن متهم است، تمامی حقوق انسانی که یک فرد آزاد و غیرمتهم از آن برخوردار است، متهم نیز باید از آن برخوردار باشد. (وروانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴)

در بند «د» ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قرار تامین کیفری بازداشت موقت پیش بینی شده است که این قرار میتواند اصول و حقوق فوق‌الذکر را خدشه دار کند بنابراین آیین و شرایط خاصی برای صدور چنین قرار در قانون مذکور پیش بینی شده است که از بحث ما خارج است زیرا هدف از پژوهش پیش رو جبران خسارت ایام بازداشت موقت متهمی میباشد که اتهام وی به اثبات نرسیده است.

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نحوه جبران خسارت ایام بازداشت و امکان عملی و اجرایی آن را پیش بینی کرده است. مطابق ماده ۲۵۵ این قانون، اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت میشوند و از سوی مراجع قضایی حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، میتوانند با رعایت ماده ۱۴ این قانون، خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.

بنابراین هدف و مسئله اصلی پژوهش پیش رو این است که متهمی که هنوز محکومیت وی قطعی نشده است و ممکن است در جریان دادرسی حکم برائت برای وی صادر شود و در این مدت در بازداشت موقت بوده است و حقوق او اعم از اصل کرامت و آزادی

و حیثیت وی پایمال شده است، به چه نحوی میتواند جبران خسارت و ضرر و زیان ایامی را که در بازداشت موقت بوده است را مطالبه کند و قرار تامین کیفری بازداشت موقت چه آثار و تبعاتی را میتواند بر بزه دیده و بزه کار و جامعه داشته باشد و چگونه میتوان به چنین قرار تامینی اعتراض کرد؟

کلمات کلیدی: بازداشت موقت، جبران خسارت ایام بازداشت موقت، قرار تامین کیفری، اعتراض به بازداشت موقت، آثار بازداشت موقت

روش پژوهش: مطالعات کتابخانه ای و تحلیلی توصیفی میباشد.

مقدمه:

قانون آیین دادرسی کیفری قرارها را تقسیم بندی نکرده است، اما حقوقدانان قرار را به دو دسته ای اعدادی و نهایی تقسیم کرده اند. **قرارهای اعدادی:** قرار اعدادی قرار است برای آماده کردن مقدمات صدور حکم از قبیل قرارهای ارجاع به کارشناس، اناطه و... منظور از قرارهای اعدادی که به آن ها قرارهای مقدماتی یا تمهیدی نیز گفته می شود، قرارهایی است که پرونده را برای اظهار نظر نهایی مقام قضایی آماده می سازند. مانند قرارهای معاینه محل، تحقیقات مقدماتی، جلب نظر کارشناس، استماع شهادت شهود و تأمین کیفری. این نوع قرارها پرونده را برای اظهار نظر نهایی آماده می کنند.

قرارهای نهایی: قرار نهایی قرار است که با صدور آن کار در دادسرا پایان می یابد و پس از صدور آن، قاضی رسیدگی کننده پرونده، مجاز به ادامه تحقیقات نخواهد بود. مانند قرارهای منع تعقیب، موقوفی تعقیب و مجرمیت.

قرار تأمین کیفری از مهم ترین قرارهای اعدادی محسوب می شود و غالباً در مرحله ی تحقیقات مقدماتی صادر می شود. هر چند گاهی پس از خاتمه ی تحقیقات مقدماتی و در اثنای دادرسی و اجرای حکم نیز ممکن است صدور قرار تأمین کیفری ضرورت یابد. برای اینکه متهم بی گناه امکان مطالبه جبران خسارت را داشته باشد، بایستی تعقیب وی منتهی به صدور رأی منع تعقیب شده و یا حکم برائت وی در دادگاه صادر گردد. جدای از صدور حکم برائت و یا منع تعقیب، درخواست جبران خسارت متهم بی گناه دارای شرایطی شکلی و سلبی میباشد که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

اصل برائت در قوانین و مقررات موضوعه:

۱. در قانون آیین دادرسی کیفری

اصل برائت در ماده ۳۸۳ مصوب ۹۲، چنانچه عمل انتسابی جرم محسوب نشود یا ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد یا متهم قابل تعقیب نباشد، دادگاه اقدام به صدور رأی برائت می کند.

۲. قانون حقوق شهروندی



بند ۲ ماده واحده ق.ح.ش برای اجرای دقیق این اصل تأکید نموده و مقرر داشته: تا جرم در دادگاه صالح ثابت نشود و رأی مستند و مستدل به مواد قانونی یا منافع فقهی قطعی نشود، اصل بر برائت متهم بوده است و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار شود.

۳. ماده ۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲

اصل برائت است. هرگونه اقدام محدودکننده سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص به جز به حکم قانون و با رعایت مقررات قضائی، مجاز نیست و در هر صورت این اقدام نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند. در ماده مذکور عبارت جز به حکم قانون، اصل نیست، بلکه استثناء است و مجوزی برای آسیب رساندن به کرامت اشخاص نیست.

۴. حقوق متهم تحت نظر در اسناد فراملی

ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. بنابراین نمی‌شود به هر عذری این امنیت و آزادی را از افراد جامعه سلب کرد و فرد متهم نیز زمانی که در مظان اتهام قرار می‌گیرد باید از این آزادی و امنیت بهره‌مند شود و کرامت او نیز حفظ شود.

اعلامیه حقوق بشر در ماده ۹ مقرر داشته است: همه بی‌گناه محسوب می‌شوند مگر خلاف آن ثابت شود.

ماده ۱۱: هرکس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب می‌شود تا اینکه در جریان یک دادرسی که طی آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع برخوردار باشد، تقصیر او محرز شود. بند ۲ این ماده نیز در بیان نتیجه‌ی اصل برائت، به اصل قانونی بودن جرم و مجازات تصریح می‌کند و مقرر می‌دارد: هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که حین ارتکاب آن به موجب حقوق بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شود، محکوم نخواهد شد. (اسدی و دژخواه، ۱۳۹۷: ۴۳)

بهموجب بند ۲ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی، هرکس به ارتکاب جرم متهم شده باشد حق دارد بی‌گناه فرض شود تا اینکه مقصر بودن او طبق قانون محرز شود.

ماده ۱۵ این سند بین‌المللی نیز در رابطه با اصل برائت بیان می‌دارد:

هیچ کس به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب طبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده، محکوم نمی‌شود و همچنین مجازاتی شدیدتر از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده، تعیین نخواهد شد.

در کنوانسیون اروپایی آمده است: هر فردی که اتهامی به او وارد شود، بی‌گناه فرض می‌شود مگر اینکه مجرمیت او به طریق قانونی ثابت شود.

اهمیت و اهداف پژوهش:

از آنجایی که در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی و اعلامیه‌های حقوق بشر تا حد بسزایی به حقوق متهم و اصل آزادی و برائت وی اشاره کرده است، اهمیت این پژوهش آن است که بررسی کنیم چه ضمانت‌اجراهایی در قانون کیفری ایران برای جبران خسارت و ضرر و زیان ایام بازداشت متهمی که برای وی حکم برائت یا موقوفی و منع تعقیب صادر شده است در نظر گرفته شده است.



بیان مسئله:

بنابراین مسئله اصلی پژوهش پیش رو همانطور که در چکیده بدان اشاره شده است، این است که متهمی که اتهام او ثابت نمیشود و حکم برائت یا موقوفی یا منع تعقیب برای وی صادر میشود، به چه نحوی میتواند جبران خسارت و ضرر و زیان ایامی را که در بازداشت موقت بوده است را مطالبه کند و قرار تامین کیفری بازداشت موقت چه آثار و تبعاتی را میتواند بر بزه‌دیده و بزه‌کار و جامعه داشته باشد و چگونه میتوان به چنین قرار تأمینی اعتراض کرد؟

پیشینه پژوهش:

در کتب آیین دادرسی کیفری به صورت مختصر به جبران خسارت ایام بازداشت موقت اشاره کرده است مانند (کوشکی، ۱۴۰۰) و یا (مصدق، ۱۳۹۹) و یا (احسان نژاد، ۱۳۹۷) و یا (اسدی و دژخواه، ۱۳۹۷) و یا (پهلوان، ۱۳۹۶) و در مقالات هم اکثرا به صورت تطبیقی (مقدسی و رضاقلی زاده، ۱۳۹۷) یا از لحاظ فقهی (بسیجیه، ۱۳۹۸) به این مورد پرداخته اند و در پایان نامه ای نیز (رفعتی، ۱۳۹۴) به تحلیل این موضوع پرداخته است.

۴

پژوهش پیش رو از حیث واکاوی شرایط جبران خسارت ایام بازداشت موقت و اعتراض به این قرار تامین کیفری در قوانین داخلی و اشاره به تعارض بازداشت افراد بی گناه از حیث اصل آزادی و اصل کرامت و اصل برائت در قوانین و اسناد بین المللی و حقوق بشر و قوانین مدون نظام کیفری ایران دارای جنبه نوآوری میباشد.

این پژوهش به سه بخش تقسیم میشود که در بخش اول به بررسی شرایط ایجابی که بدان معناست که متهم میتواند مطالبه جبران خسارت ایام بازداشت موقت را کند و به بررسی شرایط سلبی که بدان معناست که متهم نمیتواند مطالبه جبران خسارت ایام بازداشت موقت را کند میپردازیم و در بخش دوم به بررسی آیین درخواست جبران خسارت و اعتراض به قرار بازداشت موقت خواهیم پرداخت و در بخش نهایی هم پیامدهایی که قرار بازداشت موقت بر جامعه و متهم و شاکی و دیگران خواهد داشت را بررسی خواهیم کرد.

بخش اول: شرایط ایجابی و سلبی

ابتدا به بررسی شرایط ایجابی و سپس به بررسی شرایط سلبی خواهیم پرداخت.

شرایط ایجابی:

شرایطی از جمله صدور برائت و یا منع تعقیب، رعایت مدت زمان و اقدام جهت مطالبه جبران خسارت و بازداشت شدن در جریان دادرسی و تحقیقات در خصوص جبران خسارت متهم بی گناه لازم است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

الف) صدور قرار منع تعقیب متهم یا برائت

ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان داشته: بازپرس در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار جلب به دادرسی و در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی و یا فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را فوری نزد دادستان ارسال می‌کند. دادستان باید ظرف سه روز از تاریخ وصول پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را به طور کتبی اعلام کند و پرونده را نزد بازپرس برگرداند چنانچه مورد از موارد موقوفی تعقیب باشد قرار موقوفی تعقیب صادر و وفق مقررات اقدام می‌شود.



قرار منع تعقیب از قرارهای نهایی است که در مقابل قرارهای اعدادی یا تمهیدی قرار می‌گیرد. فراغ از رسیدگی، ملاک تشخیص قرارهای نهایی از اعدادی است و قرارهای نهایی عبارتند از منع تعقیب، موقوفی تعقیب و مجرمیت. (احسان نژاد، ۱۳۹۷: ۶۷)

با توجه به ماده فوق الذکر بعد از رسیدگی به جرم در دادگاه با صدور دو نوع قرار مواجه است؛ قرار جلب به دادرسی یا موقوفی تعقیب. با توجه به اینکه در دادسرا فقط در مورد کفایت دلایل اتهام جهت محاکمه متهم در دادگاه اظهار نظر می‌شود، نه درباره مجرمیت یا براءت او، ماده فوق عنوان «قرار جلب به دادرسی» را جایگزین عنوان سابق یعنی قرار مجرمیت نموده است. (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۳۱)

در صورت جرم نبودن عمل ارتكابی نیز دادگاه، قرار منع تعقیب صادر می‌کند. منظور از این عبارت برای صدور قرار منع تعقیب اعم از این است که عمل منتسب به متهم در هیچ یک از قوانین، جرم شناخته نشده باشد یا اینکه عمل مزبور جرم بوده ولی در این پرونده ارتكاب نیافته باشد بنابراین فروض صدور قرار منع تعقیب سه فرض است، دو فرض بالا و فرض فقدان ادله کافی برای انتساب جرم به متهم. قرار منع تعقیب باید واجد شرایطی باشد، از جمله اینکه با استدلال و توجیه همراه باشد، مستند به قانون باشد، عمل انتسابی به متهم کیفیت ارتكاب آن و دلایل له و علیه او به دقت توصیف شود، حق اعتراض ضمن صدور قرار به حق اعتراض و مرجع رسیدگی کننده به اعتراض تصریح شود، مشخصات متهم به طور دقیق ذکر شود. (عمرانی و نقدی نژاد، ۱۳۹۳: ۲۷)

قرار منع تعقیب از جهت مجرمانه نبودن عمل انتسابی یا از باب فقدان دلیل یا فقدان دلایل کافی مشمول اعتبار امر مختومه میشود لیکن در قرار منع تعقیب به لحاظ عدم کفایت دلیل، اجازه داده شده است که در صورت تحصیل دلایل جدید، از قرار صادره عدول شود و متهم دوباره تحت تعقیب قرار گیرد بدیهی است صدور حکم براءت نیز سبب زوال اتهام می‌شود. چنانچه جرائم اتهامی در نظر دادگاه براساس ادله ارائه شده و مطابق با قواعد دادرسی و ادله اثبات، بدون هرگونه تردید معقول اثبات نشود باید حکم براءت متهم صادر گردد. این همان مقتضای اصل براءت یا فرض بی گناهی است حکم براءت ممکن است توسط شعبه‌ی تجدیدنظر باشد صادر شود، زیرا این شعبه نیز صلاحیت رد یا اصلاح رأی بدوی را دارد.

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، افزون بر امر دادرسی که بر عهده قضات دادگاه گذاشته شده بود ولی تحقیقات مقدماتی که مرحله ای مجزا در رسیدگی قضایی محسوب میشود به دادرس محول نشده بود لذا چنان چه دادرس در مرحله تحقیقات مقدماتی اتهامی را متوجه متهم نمی‌دید یا عمل انتسابی را جرم تشخیص نمی‌داد، قرار منع تعقیب صادر میکرد، ولی با پایان یافتن مرحله تحقیقات مقدماتی دادگاه می‌بایست به ماهیت امر رسیدگی می‌نمود و رسیدگی ماهوی که از خصایص حکم است با حضور طرفین در جلسه دادگاه و با رعایت مواد ۱۹۲ و ۱۹۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به عمل می‌آمد. در واقع با تشکیل جلسه رسمی مبادرت به صدور حکم براءت می‌نمود. به عبارتی، بدون تشکیل جلسه رسمی، صدور حکم براءت فاقد وجاهت قانونی است. احسان نژاد، ۱۳۹۷: ۶۸) لذا منشأ صدور قرار منع تعقیب و حکم براءت یکی است. لیکن اولی در مرحله تحقیقات مقدماتی و دومی در مرحله رسیدگی ماهوی صادر میشود البته با اینکه صدور قرار منع تعقیب اولاً و بالذات از وظایف اصلی نهاد دادسرا است که وظیفه تحقیقات مقدماتی را برعهده دارد لیکن در موارد استثنایی، دادگاه نیز میتواند قرار منع تعقیب صادر نماید. بر اساس ماده (۲۵۵) ق.آ.د.ک؛ «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت میشوند و از سوی مراجع قضایی حکم براءت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر میشود میتوانند با رعایت ماده (۱۴) این قانون، خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.»

البته بایستی گفت در این موارد دلیل عدم اشاره به جبران خسارت بی توجهی قانون نبوده بلکه در مواردی مانند ترک تعقیب در واقع مجرمیت فرد ثابت شده است اما بنا به دلایلی اجرای مجازات منتفی شده است یا برنامه‌های ارفاقی نظام قضایی همچون تعویق



و تعلیق اجرا می‌گردد، لذا بحث بی‌گناهی متهم مطرح نیست، بلکه به دلیل اینکه مجرمیت ثابت شده اما به دلایلی مجازات اجرا نشده است این موضوع اصولاً در ماده ۲۵۵ مورد اشاره قرار نگرفته است. (احسان نژاد، ۱۳۹۷: ۶۹) اما تفاوتی بین بازداشت موقت و بازداشت ناشی از قرارهای جانیشینی کفالت و وثیقه نیست و در هر دو صورت خسارت ناشی از بازداشت با رعایت مقررات قانون قابل مطالبه است.

البته مطابق ماده (۲۵۶) ق.آ.د.ک در موارد زیر شخص بازداشت شده، مستحق جبران خسارت نیست:

- ۱- بازداشت شخص ناشی از خودداری در ارائه اسناد مدارک و ادله بی‌گناهی خود باشد؛
- ۲- به منظور فراری دادن مرتکب جرم خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد؛
- ۳- به هر جهتی به، ناجق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد؛
- ۴- همزمان به علت قانون دیگری بازداشت باشد.

این موارد عدم استحقاق جبران خسارت عمدتاً مبتنی بر قاعده اقدام است و کسی که به نوعی موجب توجه اتهام به خویش و یا بازداشت خود شده سزاوار جبران خسارت شناخته نمیشود. (خالقی، ۱۳۹۳: ۲۲۶)

ب) درخواست متهم بی‌گناه

براساس مبانی حقوق اسلام قاضی در حق الناس وقتی میتواند حکم دهد که صاحب حق آن را تقاضا کرده باشد و قوانین موضوعه ایران نیز به تبع فقه امامیه، تقاضای صاحب حق و من جمله زیان دیده را برای جبران خسارت لازم میدانند.

ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مقرر می‌دارد: هیچ دادگاهی نمیتواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند در خصوص موضوع مورد بحث نیز، دادگاه هنگامی میتواند به جبران خسارت حکم دهد که بزه دیده تقاضا کرده باشد و مادام که بزه دیده یا قائم مقام او تقاضا نکرده باشد دادگاه نمیتواند به جبران خسارت حکم دهد. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۸: ۱۳۲)

شخص بازداشت شده باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی‌گناهی خود، درخواست جبران خسارت را به کمیسیون استانی، متشکل از سه نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان به انتخاب رئیس قوه قضائیه تقدیم کند. کمیسیون در صورت احراز شرایط مقرر در این قانون حکم به پرداخت خسارت صادر می‌کند. در صورت رد درخواست این شخص میتواند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ اعتراض خود را به کمیسیون موضوع ماده ۲۵۸ این قانون اعلام کند به عبارتی شرط رسیدگی به ادعای جبران خسارت بازداشت آن است که وی تا شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی بر بی‌گناهی خود اعم از اینکه قرار منع تعقیب و یا حکم برائت باشد درخواست جبران خسارت نماید. درخواست جبران خسارت متهمان بی‌گناه با توجه به ماده، نه به دادگاه بلکه باید به کمیسیون استانی متشکل از سه نفر قضات دادگاه تجدیدنظر استان که توسط رئیس قوه قضائیه انتخاب میشوند تقدیم کرد. تعیین مبدأ مهلت شش ماهه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی به این دلیل است که اغلب آرای بدوی مورد اعتراض قرار میگیرند و در مرحله تجدید نظر یا فرجام قطعی میشوند. منطقی است که در مورد این آراء، تاریخ ابلاغ رأی مبدأ محاسبه باشد. اما لازم است توجه داشت که در مورد آرای که در مرحله بدوی صادر شده و به دلیل عدم اعتراض ظرف مهلت مقرر قطعی میشوند باید مهلت‌های بیست روزه یا دو ماهه تجدید نظر یا فرجام خواهی ماده (۴۳۱) به تاریخ ابلاغ رأی اضافه شده و مبدأ مهلت مزبور را تاریخ قطیت رأی یعنی تاریخ انقضاء



مهلت تجدید نظر یا فرجام خواهی دانست. (احسان نژاد، ۱۳۹۷: ۷۱) با توجه به اینکه با لازم الاجراء شدن قانون حاضر متهمان بازداشت شده که اتهام آنها منجر به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت، شود ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حق مطالبه جبران خسارت می‌یابند و با توجه به اینکه حکم این قانون در این خصوص متضمن حکمی مساعدتر به حال متهم و در نتیجه مؤثر در گذشته می‌باشد، از تاریخ لازم الاجراء شدن قانون حاضر، هر متهم بازداشت شده‌ای که بیش از شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی مبنی بر منع تعقیب یا برائت او نگذشته باشد، می‌تواند درخواست خود را به کمیسیونی که به موجب این قانون تأسیس می‌شود، تقدیم نماید. نهایتاً، از آنجا که رسیدگی و صدور حکم به جبران خسارت و پرداخت آن به متقاضی باید به شیوه‌ای صورت بگیرد که در آیین نامه‌ای مشخص می‌شود که از نظر زمانی بعداً به تصویب خواهد رسید، شروع به رسیدگی به درخواست متقاضی توسط کمیسیون‌های استانی و ملی نیز بعد از تصویب و سپس لازم الاجراء شدن آیین نامه مذکور می‌باشد.

البته آنچه در قانون در خصوص جبران خسارت افراد بی‌گناه پیش بینی شده، مربوط به متهم بی‌گناه است با توجه به متن ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز چنانچه پرونده متهم منجر به صدور حکم محکومیت (اعم از تعلیقی یا قابل اجراء) گردد، وی حق جبران خسارت نخواهد داشت. دلیل این امر این است که هدف قانونگذار صرفاً جبران خسارت متهم بی‌گناه بوده نه جبران خسارت بازداشت‌ناروا اما به نظر می‌رسد مناسب بود قانونگذار جبران خسارت متهمان محکوم شده‌ای را هم که به طور غیرقانونی (بدون رعایت موارد و شرایط مواد ۲۳۷ و ۲۳۸) بازداشت شده‌اند، پیش بینی می‌کرد. (احسان نژاد، ۱۳۹۷: ۷۲)

در پاسخ ممکن است گفته شود در مورد این اشخاص کسر ایام بازداشت موقت از میزان محکومیت می‌تواند کافی باشد اما این پاسخ نمیتواند در مورد جرائمی که مجازات آنها زندان نیست قانع کننده به نظر برسد و سبب تحمیل حبس (به صورت بازداشت ناروا) به جای جزای نقدی شود.

ج) بازداشت شدن در جریان دادرسی و تحقیقات

شرط دیگر تحقق این خسارت این است که کسانی که حق جبران خسارت براساس این ماده را دارند باید در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی بازداشت شده باشند. منظور از این بازداشت، سلب آزادی متهم است اعم از اینکه این امر در اثر صدور قرار بازداشت موقت باشد یا قرارهای تأمین منجر به بازداشت حتی میتوان بر این اعتقاد بود که حکم ماده فوق شامل سلب آزادی ناشی از تحت نظر قرار دادن متهم توسط ضابطان دادگستری نیز میشود به همین دلیل تبصره ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری چند ساعت تحت نظر قرار گرفتن متهم را نیز موجب کاستن یک روز از مدت حبس مقرر در حکم محکومیت او دانسته است.

شرط دیگر این است که بازداشت شدگانی حق جبران خسارت دارند که پرونده آنها منتهی به صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب شده و با توجه به ماده ۲۵۷، این حکم یا قرار، قطعی شده باشد بنابراین اولاً از آنجا که در مورد شاهد یا مطلع حکم برائت یا قرار، منع تعقیب صادر نمیشود این افراد به دلیل جلب خود در اجرای تبصره ۱ ماده ۲۰۴ آ.د.ک نمی‌توانند بر اساس ماده فوق مطالبه خسارت کنند. ثانیاً، اگر پرونده متهم منتهی به صدور قرار موقوفی تعقیب نیز شده باشد، به دلیل عدم اظهار نظر ماهوی در مورد ارتکاب یا عدم ارتکاب عمل مجرمانه توسط متهم وی سزاوار جبران خسارت دانسته نشده است. (احسان نژاد، ۱۳۹۷: ۷۲) لذا چنانچه پرونده متهم منجر به صدور حکم محکومیت اعم از تعلیقی یا قابل اجراء گردد وی حق جبران خسارت نخواهد داشت.

نکته دیگر اینکه در موارد زیر دولت میتواند به مسئول اصلی بازداشت کننده فرد بی‌گناه مراجعه کند که در سه حالت است؛ ۱ - بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم صورت گرفته باشد ۲ - بازداشت بر اثر شهادت کذب شهود صورت گرفته باشد. ۳ - بازداشت ناشی از تقصیر مقامات قضایی باشد. (احسان نژاد، ۱۳۹۷: ۷۴) لذا بعد از جبران خسارت متقاضی توسط دولت هر یک از افرادی که به



عنوان شاکی شاهد، ضابط دادگستری یا حتی مقام قضایی از روی علم و آگاهی (نه خطا و اشتباه) سبب بازداشت شدن متهم بی گناه شده اند میتوانند برای پرداخت آنچه دولت به متقاضی پرداخته مورد رجوع قرار گیرند و کارشناس اظهار نظر کننده در پرونده نیز در صورت اجتماع این شرایط مشمول همین حکم خواهد بود.

شرایط سلبی:

علاوه بر شروط ایجابی قید شده در ماده ۲۵۵ که مورد بررسی قرار گرفتند، قانون گذار در ماده ۲۵۶ به چهار شرط سلبی اشاره کرده است بدین مفهوم که اگر هر یک از شروط قید شده در این ماده در خصوص افراد بازداشت شده صدق کنند، این افراد مشمول حق جبران خسارت نخواهند شد شرایط مذکور عبارتند از: ۱- بازداشت شخص، ناشی از خودداری در ارائه اسناد مدارک و ادله بی گناهی خود باشد. ۲- به منظور فرادی دادن مرتکب جرم خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد. ۳- به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد. ۴- همزمان به علت دیگری در بازداشت باشد. در بند «الف» این ماده آمده است بازداشت شخص ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی گناهی خود باشد. (احسان نژاد، ۱۳۹۷: ۷۵)

قانون گذار به موجب این بند افرادی را که قصورشان در ارائه ادله به نفع خویش منتهی به بازداشتشان شده را از شمول قاعده جبران خسارت خارج کرده است. بند «ب» ماده مربوط به مواردی است که متهم به منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام و بازداشت قرار داده باشد. در اینصورت براساس قاعده اقدام، مسلماً فرد بازداشت شده در این موارد، اقدام ضروری انجام داده و خود باعث ورود خسارت و آسیب حاصل از بازداشت بر خود شده است. بنابراین منطقی است که وی حقی برای جبران خسارت ناشی از بازداشت نداشته باشد در واقع بر اساس قاعده اقدام، اگر کسی با علم و آگاهی رفتاری انجام دهد که موجب ورود خسارت بر وی از سوی دیگران گردد شایسته جبران خسارت نیست و به عبارت دیگر وی با علم و قصد و رضا ضرر و ضمانی را پذیرفته است. بند «پ» به صراحت، قانون شامل حالتی است که فردی به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم کرده باشد مثلاً به دلیل بی خانمانی و شرایط بد اقتصادی، رفتن به بازداشتگاه را ترجیح داده و به نحوی موجبات آن را فراهم کند. در نهایت بند «ت» ناظر به مواردی است که فرد بازداشت شده به علت قانونی دیگر بازداشت باشد مثل موردی که متهم به دلیل جرم دیگری در بازداشت بوده و یا در حال گذراندن دوران مجازات قانونی به دلیل یک محکومیت دیگر است. بر این اساس حتی اگر قرار بازداشت هم برای وی صادر نمیشد به دلایل پیش گفته ناچار از گذراندن مدت زمانی در بازداشتگاه بوده است. تا به اینجا به بررسی بخش اول پرداختیم و هم اکنون در ذیل به بررسی بخش دوم در رابطه با آیین درخواست جبران خسارت ایام بازداشت موقت و اعتراض به قرار بازداشت موقت خواهیم پرداخت.

بخش دوم: آیین درخواست جبران خسارت ایام بازداشت موقت

از آنجا که جبران خسارت بازداشت متهمان بی گناه برای قانون گذار از اهمیت بالایی برخوردار بوده است مراجع و قواعد دادرسی خاصی برای این منظور پیش بینی شده است.

بر این اساس برابر مواد ۲۵۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، شخص بازداشت شده، باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی گناهی شامل قرار منع تعقیب و حکم برائت می شود - درخواست جبران خسارت خود را به کمیسیون استانی تقدیم کند.



کمیسیون استانی از سه نفر قاضی دادگاه تجدید نظر استان به انتخاب رییس قوه قضاییه، تشکیل میشود. براساس ماده (۲) آیین نامه شیوه رسیدگی و اجرای آرا کمیسیونهای استانی و ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت مصوب ۱۳۹۵/۱۰/۴ رییس قوه قضاییه صلاحیت کمیسیون استانی به حوزه قضایی آن استان محدود شده است. (کوشکی، ۱۴۰۰:۴۴۴)

در ماده (۳) آیین نامه یاد شده مقرر شده است که افزون بر سه عضو کمیسیون اصلی، به تعداد لازم عضو علی البدل از میان قضات دادگاه تجدید نظر استان انتخاب خواهد شد. اما در این آیین نامه ترتیب انتخاب و تعیین اعضای علی البدل مشخص نشده است؛ اما با توجه به اهمیت موضوع به نظر میرسد که اعضای علی البدل نیز باید توسط رییس قوه قضاییه انتخاب گردند.

از حیث قواعد شکلی در کمیسیونهای استانی نکات و موارد زیر از اهمیت برخوردار است: (کوشکی، ۱۴۰۰:۴۴۴)

۱- تقاضا با توجه به ماده ۲۵۷ و نیز ماده ۸ آیین نامه از طریق «درخواست» خواهد بود. بر این اساس نیازی به ارائه دادخواست نیست، چرا که هدف قانونگذار در این موارد، تسهیل و تسریع در موضوع بوده است.

۲- موعد زمانی شش ماهه از تاریخ ابلاغ قطعی رأی باید توسط درخواست کننده رعایت شود.

۳- همان گونه که در ماده (۸) آیین نامه پیش بینی شده رعایت سه موضوع در این درخواستها ضروری است، نخست مشخصات شناسنامه ای متقاضی جبران خسارت باید درج شود. دوم، مشخصات شعبه بازداشت کننده و شعبه ی صادر کننده قرار منع تعقیب و حکم برائت (ارائه تصویر مصدق قرار منع تعقیب و حکم برائت) و سوم، باید مدت بازداشت و میزان و نوع خسارات وارده درج شود.

۴- بدیهی است در صورتی که کمیسیون یاد شده با نقایصی در درخواست روبرو شود، بر اساس ماده ۱۳ آیین نامه یاد شده، مدیر دفتر کمیسیون به متقاضی اطلاع میدهد تا نقایص را رفع کند. اگر در مدت مشخص شده رفع نقص صورت نگیرد، مراتب جهت صدور تصمیم مقتضی به رییس کمیسیون مربوط اعلام میشود.

۵- بر اساس ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، ذی نفع میتواند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ تصمیم کمیسیون اعتراض خود را به کمیسیون ملی جبران خسارت متشکل از رییس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان وی و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب رییس قوه قضاییه، اعلام کند. بدیهی است رأی کمیسیون یاد شده قطعی است.

۶- براساس ماده ۲۶۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ به منظور پرداخت خسارت، صندوقی در وزارت دادگستری تأسیس میشود که بودجهی آن هر سال از محل بودجه کل کشور تأمین میشود. این صندوق زیر نظر وزیر دادگستری تأمین میشود.

۷- طرف جبران خسارت، دولت (وزارت دادگستری) خواهد بود. البته در اینجا سخت گیریهای ناظر به خوانده در دادخواست مطرح نیست. دولت جمهوری اسلامی ایران از طریق وزارت دادگستری مکلف به جبران خسارات وارد است.

اعتراض به قرار بازداشت موقت:

قرار بازداشت موقت موجب سلب آزادی اشخاص پیش از صدور حکم قطعی می شود، از این رو اثر مهمی بر زندگی و وضعیت متهم برجای می گذارد. از این رو، قانونگذار ضوابط و تشریفات را نسبت به اعتراض به این قرار و بازبینی آن دارد.

یکی از ویژگیهای قرار بازداشت موقت این است که برخلاف سایر قرارهای ده گانه ی یاد شده در ماده ۲۱۷ آ.د.ک مصوب ۹۲، تنها قرار است که از همان آغاز قابل اعتراض است. سایر قرارها چنین وضعیتی ندارند به طور مثال قرار های کفالت و وثیقه در ابتدا قابل اعتراض نیستند مگر براساس ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک منتهی به بازداشت متهم گردد که براین اساس متهم می تواند تا مدت ده روز از تاریخ ابلاغ قرار بازپرس به اصل قرار منتهی به بازداشت یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه اعتراض کند، به موجب تبصره یاد شده در ماده ۲۷۰،



مهلت اعتراض به قرارها قابل اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ده روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور یک ماه از تاریخ ابلاغ است. (کوشکی، ۱۴۰۰:۴۳۶)

منظور از ابلاغ، ابلاغ قانونی و واقعی است. همچنین متهم می تواند در هنگام استمرار قرار بازداشت موقت می تواند نسبت به این قرار اعتراض کند، به موجب ماده ۲۴۱ ق.آ.د.ک: متهم می تواند موجبات بازداشت را مرتفع بداند و فک قرار بازداشت و یا تبدیل آن را از مقام قضایی مطالبه کند. متهم در هر ماه یکبار می تواند از این حق استفاده کند.

آنچه در درجه نخست برای قانونگذار اهمیت داشته است، این است که اگر موجبات بازداشت و سلب آزادی مرتفع باشد، متهم در بازداشتگاه باقی نماند و از این حیث حق او تضییع نشود. ضمن اینکه قرار بازداشت موقت و یا بازداشت ناشی از سایر قرارها (کفالت و وثیقه) تفاوتی باهم ندارند که قائل به تفکیک شویم.

مرجع رسیدگی به اعتراض متهم همان ترتیبی است که در ماده ۲۷۱ ق.آ.د.ک پیش بینی شده است. براساس ماده ۲۷۳، تصمیم دادگاه در مقام رسیدگی به اعتراض قرار بازداشت موقت، قطعی و لازم الاجرا است.

اما در خصوص وضعیت اعتراض به قرار بازداشت موقت در مرحله دادرسی و دادگاه نیز موضوع اهمیت دارد.

ماده ۲۴۶ ق.آ.د.ک بیان دارد:

در مواردی که پرونده متهم در دادگاه مطرح شده باشد و قبلاً از متهم تأمین اخذ نشده باشد یا تأمین قبلی منتفی شده باشد، دادگاه خود یا به تقاضای دادستان و یا رعایت مقررات این قانون، قرار تأمین صادر می کند. چنانچه تصمیم دادگاه منتهی به صدور قرار بازداشت موقت شود، این قرار، طبق مقررات قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان است.

از ماده بیان شده، چند نکته برداشت می شود: (کوشکی، ۱۴۰۰:۴۳۷)

۱. در این ماده به درستی بر قابل اعتراض بودن قرار بازداشت موقت تأکید شده است. بنابراین قرارهای تأمین منتهی به بازداشت نیز مطابق این ماده قابل اعتراض اند.

۲. مرجع اعتراض به قرارهای بازداشت موقت در مرحله دادگاه تعیین شده است به موجب این ماده اگر تصمیم هر دادگاهی اعم از کیفری دو و یا یک منجر به قرار بازداشت موقت شود، مرجع اعتراض به این قرار، دادگاه تجدیدنظر استان است.

جهات اعتراض:

قانونگذار در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، جهات اعتراض به قرار بازداشت موقت را مشخص نکرده است اما با توجه به مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون یادشده و دیگر مواد قانونی مرتبط می توان جهات اعتراض را توجیه و تبیین کرد.

جهات اعتراض از چند حالت خارج نیست: (کوشکی، ۱۴۰۰:۴۳۸)

۱. ممکن است متهم براین باور باشد که ادله کافی مبنی بر انتساب اتهام در پرونده وجود ندارد. از این رو صدور قرار، توجیه مناسب ندارد.

۲. ممکن است مبنای اعتراض متهم براین اساس باشد که برفرض صحت انتساب اتهام به وی، عنوان اتهامی مشمول عناوین پیش بینی شده در ماده ۲۳۷ نیست.

۳. از سوی دیگر متهم ممکن است به عدم حصول شرایط مندرج در ماده ۲۳۸ ق.آ.د.ک نظر داشته باشد. به هر ترتیب دادگاه کیفری صالح در مقام رسیدگی به اعتراض باید نسبت به این جهات و سایر موارد توجه داشته باشد. از دیدگاه مطالعات تطبیقی همواره بر ضرورت توجیه قرار بازداشت موقت تأکید شده است. در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر بر احراز دو دسته از عوامل به منظور توجیه

قرار بازداشت موقت صحه گذاشته است. نخست عوامل یا همان مقام‌های صادرکننده قرار باید دقت کنند که آیا صدور قرار با توجه به وضعیت هر پرونده از نظر شرایط و مقررات قانونی هر کشور موجه است. دیگر اینکه مقام‌های یادشده باید توجه کنند که زمینه و بستر استفاده از جایگزین‌های قرار بازداشت موقت منتفی بوده است.

بازبینی قرار بازداشت موقت:

از آنجا که صدور قرار بازداشت موقت امری استثنایی به‌شمار می‌رود، قانونگذار دو نوع نظارت از حیث صدور و استمرار آن در نظر گرفته است. در واقع یک نوع نظارت بر رعایت شرایط قانونی آن از طریق اعتراض متهم صورت می‌گیرد. نظارت دیگر از طریق نظام عدالت کیفری به‌صورت یکجانبه اعمال می‌شود. (کوشکی، ۱۴۰۰: ۴۳۹)

در صدر ماده ۲۴۲ براساس شدت جرائم ارتكابی، جرائم به دو دسته تقسیم می‌شود. جرائم موضوع بندهای الف و ب و پ و ت ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک تا دو ماه و در سایر جرائم تا یک ماه به‌علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت بماند و پرونده او تعیین تکلیف نشود، باید تصمیم‌هایی گرفته شود. اطلاق این ماده هم بر قرار بازداشت موقت و هم قرارهای تأمین منتهی به‌بازداشت می‌باشد.

قاضی پس از این مدت‌های بیان شده باید تصمیم‌های زیر را بگیرد: (کوشکی، ۱۴۰۰: ۴۴۰)

فک قرار، نخستین تصمیم است. ممکن است ادله‌ای در ابتدا وجود داشته است با استمرار آن منتفی شود و نیازی به صدور قرار تأمین نباشد.

تخفیف تأمین، تصمیم دیگر است. عدول از قرار تأمین یا تجدید نظر از آن امکانی است که برای مقام قضایی وجود دارد. مقام قضایی می‌تواند متناسب با ادله و انتساب اتهام در این باره تصمیم مقتضی بگیرد.

اگر فک یا تخفیف ناظر به قرار بازداشت موقت باشد، باید به‌تأیید دادستان برسد و اگر میان بازپرس و دادستان اختلاف باشد، مرجع صالح اتخاذ تصمیم می‌کند اگر فک یا تخفیف ناظر به سایر قرارها مثل کفالت و وثیقه باشد، نیازی به تأیید دادستان نیست.

ابقای قرار تأمین، سومین تصمیم قضایی است. ابقا قرار تأمین باعث استمرار بازداشت موقت می‌شود. از آنجا که این تصمیم خلاف حقوق متهم است، متهم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، حق اعتراض دارد. تصمیم بر ابقا قرار تأمین نیازمند احراز علل موجه توسط بازپرس دارد و علل یادشده باید در متن قرار قید شود و طبق ماده ۲۴۲، ابقا قرار تأمین باید به تأیید دادستان برسد.

سوال: بازبینی بر قرارهای بازداشت موقت، در مرحله دادگاه و دادرسی به چه ترتیب است؟

با توجه به اصل قانونی بودن، براساس تبصره یک ماده ۲۴۲ رعایت نصاب زمانی مقرر برای حداکثر مدت بازداشت موقت در مرحله دادگاه نیز ضروری است و دادگاه ملزم به رعایت سقف زمانی یادشده در ماده ۲۴۲ است. اما رعایت ترتیبات مقرر در ماده مبنی بر نظارت دو ماهه و یک ماهه، برای دادگاه ضروری نیست.

در این بخش نیز شرایط و نحوه درخواست جبران خسارت ایام بازداشت و نحوه اعتراض به آنرا بررسی کردیم و هم اکنون به بررسی بخش نهایی در مورد پیامدهای بازداشت موقت خواهیم پرداخت.

بخش سوم: پیامدهای قرار بازداشت موقت

مغایرت بازداشت موقت متهمین با اصل برائت، تعارض با برخی نهادهای مفید و کارساز سیاست جنایی در کنار پاره‌ای از آثار جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی متعاقب بر زندانی کردن متهم، موجب شده بر بازداشت موقت متهم، بسیار خرده گرفته شود. قرار



مزبور هم دارای پیامدهای مثبت و هم دارای پیامدهای منفی برای برقراری نظام عدالت کیفری می باشد که در ادامه به توضیح آن ها خواهیم پرداخت.

پیامدهای مثبت قرار بازداشت موقت

در زمره پیامدهای مثبت قرار بازداشت موقت در نگاهی کلان می توان به (الف) پیشگیری از وقوع مجدد جرم، (ب) حمایت از جامعه از نظر عدم جریحه دار شدن نظم و امنیت و (پ) تسهیل اجرای عدالت اشاره نمود.

الف) پیشگیری از وقوع مجدد جرم

پیشگیری از وقوع جرم، امروزه دارای مفهومی با دامنه بسیار وسیع است و مقوله کیفری و غیر کیفری را در بر می گیرد. بنابراین شناخت این شاخه از علوم جنایی اهمیت بسزایی دارد زیرا پیشگیری از ارتکاب بزه، یکی از مهم ترین موضوع های مورد مطالعه جهان امروز می باشد. (الهی منش، ۱۳۹۱: ۶۰)

از نظر علمی، مراد از پیشگیری، هر واکنش سیاست جنایی با هدف تحدید امکان بیش آمد جنایی از راه ناممکن ساختن یا دشوار کردن یا کاستن از احتمال وقوع آن است بدون تکیه بر تهدید کیفر یا اجرای آن.

به طور کلی می توان پیشگیری را این گونه تعریف کرد: مجموعه اقدام های سیاست جنایی به استثناء اقدام های کیفری که هدف از انحصاری آن اقدامات، محدود کردن امکان وقوع مجموعه ای از جرائم باشد. این پیشگیری گاهی اوقات زیر عنوان مدیریت خطر جرم، قرار داده می شود. (الهی منش، ۱۳۹۱: ۶۱)

۱. پیشگیری از بزه دیدگی مجدد قربانی

چون متهم در بازداشت به سر می برد و به نحو فیزیکی از روند اجتماعی جدا می شود، بزه دیده از هرگونه تهدید فیزیکی و روانی دور بوده و از این رو، نسبتاً از امنیت روانی و مادی برخوردار می شود. و باعث می شود بزه دیده فرصت بازتوانی در فضای به دور از هرگونه تهدید را داشته باشد.

۲. پیشگیری از بزه دیدگی اطرافیان قربانی

افزون بر تضمین امنیت بزه دیده در اثر قرار بازداشت موقت متهم، وابستگان بزه دیده نیز از این امنیت برخوردار می شوند به ویژه آن دسته از وابستگانی که برای وی دارای اهمیت بوده و ممکن است متهم به دلیل از بین بردن شهادت شهود یا از بین بردن صحنه جرم یا عدم شکایت و گذشت آنان، دست به بزه مجدد بزنند.

۳. حفظ امنیت جامعه و جان خود بزهکار

در اثر قرار بازداشت موقت، امنیت جامعه محفوظ خواهد ماند. از طرفی در اثر قرار بازداشت موقت، جان خود بزهکار حفظ می شود چون ممکن است اولیای دم بزه دیده یا خود بزه دیده، برای انتقام گیری، جان بزهکار را در خطر بیندازند.

ب) ممانعت از جریحه دار شدن احساسات عمومی

زمانی که جرمی در فرایند اجتماعی روی می دهد، نظم و امنیت جامعه جریحه دار شده و وجدان عمومی به درد می آید. در این زمان است که بازداشت موقت جدا از اینکه از جریحه دار شدن احتمالی جامعه جلوگیری می کند می تواند در نقش ابزاری برای تسکین این وجدان نمودار گردد.



در بازداشت موقت، هم از خودکشی متهم در اثر فشارهای روانی جلوگیری می‌شود و هم از بزهکاری مجدد وی در جامعه جلوگیری می‌شود. در هر دو حالت، نظم و امنیت جامعه به هم می‌خورد و روند آن را مختل می‌کند. لذا بازداشت متهم می‌تواند از این جریحه‌داری مجدد و مضاعف جلوگیری کند. (الهی منش، ۱۳۹۱:۶۲)

پیامدهای منفی قرار بازداشت موقت

بازداشت موقت اقدامی بسیار شدید علیه آزادی فردی بوده و مخالف فرض برائت است و موجب می‌شود متهم یک مجازات را تحمل کند در حالی که هنوز محاکمه نشده است.

الف) مغایرت با اصل برائت

رعایت حقوق و آزادی‌های متهم هر دو از آثار بارز اصل برائت است با توجه به اینکه بازداشت موقت، سالب آزادی اشخاص می‌باشد بنابراین باید امری اشتثنایی تلقی شود، زیرا اصل بر برائت اشخاص بیش از محکومیت می‌باشد. این اصل مانعی است برای فرض مجرمیت زیرا متهم تکلیفی بر اثبات بی‌گناهی خود ندارد و این حق را به متهم می‌دهد که علیه خود اقرار نکند و شهادت ندهد. اصل برائت امروزه هم چون نگینی درخشان بر حقوق کیفری ممالک متمدن درخشیده و می‌توان آن را میراث مشترک حقوقی همه‌ی ملل جهان قلمداد کرد. (الهی منش، ۱۳۹۱:۶۴)

ب) تعارض با پاره‌ای از نهادهای سودمند کیفری

کشورهای پیشرفته با الهام از مواضع مکتب دفاع اجتماعی نوین، ناظر بر استفاده از جایگزین‌های مجازات زندان مانند جزای نقدی و نمادهای تعلیقی می‌باشد. توسل به این ابزارها به منظور اجتناب از شرایط نامطلوب زندان و جرم‌زایی آن می‌باشد. ترس از بازداشت می‌تواند از تکرار جرم جلوگیری کند. اما بر اثر طولانی بودن بازداشت، این ترس از بین می‌رود و در اثر همنشینی با زندانیان، ویژگی‌های مثبت شخصیتی فرد از بین می‌رود. نامشخص بودن مدت بازداشت، امکان هرگونه برنامه‌ریزی درمانی و اصلاحی در مورد متهم را منتفی می‌کند و متهم را در شرایطی بدتر از محکومان قرار می‌دهد. (الهی منش، ۱۳۹۱:۶۶)

پ) تأثیر بر سرنوشت دعوا

زمانی که شخص متهم بازداشت می‌شود، بعد از گذشت مدتی، سرانجام نتیجه رسیدگی وی به صورت برائت یا مجرمیت نمایان می‌شود. در وضعیت مجرمیت که مشکلی ایجاد نمی‌شود اما زمانی که دلیلی دال بر مجرمیت وی یافت نشود، به این دلیل که برائت وی ممکن است مسئولیتی برای دستگاه قضا داشته باشد، بعضاً دیده می‌شود به هر نحوی متهم تحت بازداشت موقت، مجرم شناخته می‌شود تا از این باب، دستگاه قضا مسئولیتی نداشته باشد. گاهی نیز احساس می‌شود دادگاه‌هایی که متمایل به محکومیت‌اند، خود را ملزم به توجیه و حفظ بازداشت می‌بینند. (الهی منش، ۱۳۹۱:۶۸)

متهمانی که به استفاده از قرارهای تأمین دیگر مانند کفالت و وثیقه در طول تحقیقات مقدماتی در آزادی به سر برده‌اند، احتمال بهره‌مند شدنشان از گذشت دادگاه‌ها به مراتب بیشتر از بازداشت‌شدگان در طول تحقیقات مقدماتی می‌باشد.

این مشکل در پاره‌ای از نظام‌های مبتنی بر دولت جامعه لیبرال، با پیش‌بینی خسارات وارده به چنین اشخاص، حل شده است.

ج) برچسب‌زنی به تضعیف جایگاه اجتماعی



بازداشت موقت موجب خسارات مادی و معنوی به متهم و خانواده او می‌شود و جایگاه اجتماعی و موقعیت شغلی او را در خطر می‌اندازد. نوع نگاه مردم به متهم به عنوان مجرم می‌تواند باعث این شود که بعدها متهم خود را واقعاً شخص مجرم و ضدا اجتماعی بداند. و این تأثیرات منفی می‌تواند متهم را به سمت منجلاب بزهکاری سوق دهد. (الهی منش، ۱۳۹۱: ۷۰)

بحث و نتیجه گیری:

در این پژوهش مطالب بیان شده به سه بخش تقسیم شده است که در بخش اول به بررسی شرایط ایجابی که بدان معناست که متهم میتواند مطالبه جبران خسارت ایام بازداشت موقت را کند و به بررسی شرایط سلبی که بدان معناست که متهم نمیتواند مطالبه جبران خسارت ایام بازداشت موقت را کند پرداختی و در بخش دوم به بررسی آیین درخواست جبران خسارت و اعتراض به قرار بازداشت موقت پرداختیم و در بخش نهایی هم پیامدهایی که قرار بازداشت موقت بر جامعه و متهم و شاکی و دیگران خواهد داشت را بررسی کردیم ضمن اینکه استناد های قانونی و بین المللی در رابطه با اصل برائت و کرامت و آزادی رفت و آمد افراد نیز بیان شده است که بازداشت موقت این اصول را نقض میکند به همین دلیل آخرین راهکار نظام عدالت کیفری برای اجرای عدالت به عنوان قرار تامین کیفری میباشد. در زمره پیامدهای مثبت قرار بازداشت موقت در نگاهی کلان می‌توان به پیشگیری از وقوع مجدد جرم و حمایت از جامعه از نظر عدم جریحه دار شدن نظم و امنیت و تسهیل اجرای عدالت اشاره نمود و در مورد پیامدهای منفی آن باید بیان کرد که بازداشت موقت اقدامی بسیار شدید علیه آزادی فردی بوده و مخالف فرض برائت است و موجب می‌شود متهم یک مجازات را تحمل کند در حالی که هنوز محاکمه نشده است و تعارض با پاره ای از نهاد های سودمند کیفری دارد که در این پژوهش بدان نیز پرداخته شده است. یکی از ویژگی های قرار بازداشت موقت این است که برخلاف سایر قرارهای ده گانه یاد شده در ماده ۲۱۷ آ.د.ک مصوب ۹۲، تنها قرار است که از همان آغاز قابل اعتراض است. سایر قرارها چنین وضعیتی ندارند به طور مثال قرار های کفالت و وثیقه در ابتدا قابل اعتراض نیستند مگر بر اساس ماده ۲۲۶ ق.آ.د.ک منتهی به بازداشت متهم گردد و در مواردی که پرونده متهم در دادگاه مطرح شده باشد و قبلاً از متهم تامین اخذ نشده باشد یا تأمین قبلی منتفی شده باشد، دادگاه خود یا به تقاضای دادستان و یا رعایت مقررات این قانون، قرار تأمین صادر می‌کند. چنانچه تصمیم دادگاه منتهی به صدور قرار بازداشت موقت شود، این قرار، طبق مقررات قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان است.

و در مورد آیین جبران خسارت نیز بیان کردیم که بر این اساس برابر مواد ۲۵۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، شخص بازداشت شده، باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی حاکی از بی گناهی شامل قرار منع تعقیب و حکم برائت می‌شود - درخواست جبران خسارت خود را به کمیسیون استانی تقدیم کند. کمیسیون استانی از سه نفر قاضی دادگاه تجدید نظر استان به انتخاب رییس قوه قضاییه، تشکیل میشود. براساس ماده (۲) آیین نامه شیوه رسیدگی و اجرای آرا کمیسیونهای استانی و ملی جبران خسارت ناشی از بازداشت مصوب ۱۳۹۵/۱۰/۴ رییس قوه قضاییه صلاحیت کمیسیون استانی به حوزه قضایی آن استان محدود شده است و در ماده (۳) آیین نامه یاد شده مقرر شده است که افزون بر سه عضو کمیسیون اصلی، به تعداد لازم عضو علی البدل از میان قضات دادگاه تجدید نظر استان انتخاب خواهد شد. اما در این آیین نامه ترتیب انتخاب و تعیین اعضای علی البدل مشخص نشده است؛ اما با توجه به اهمیت موضوع به نظر میرسد که اعضای علی البدل نیز باید توسط رییس قوه قضاییه انتخاب گردند.

این پژوهش از حیث اینکه اصل برائت و آزادی را در اسناد داخلی و بین المللی و تعارض آنرا با قراربازداشت موقت بررسی کرده است و سپس به شرایط جبران خسارت و شرایط عدم امکان جبران خسارت پرداخته است و هر دو شرایط را با یکدیگر مقایسه کرده است



و جهات اعتراض به این قرار را نیز بیان کرده است دارای جنبه نوآوری می باشد چون اصولاً مقالات حاضر به صورت تطبیقی یا فقهی نوشته شده اند.

پیشنهادهات:

دستگیری به معنای سلب آزادی عبور و مرور که سرانجام آن، توقیف قانونی است یعنی پس از دستگیری به اتهام ارتکاب جرمی، چنانچه مدافعان شخص دستگیر شده موجه نبود برای منع از فرار یا پنهان شدن متهم طبق ترتیبات قانونی، قرار بازداشت صادر می شود.

مطابق اصول حقوق جزایی، دستگیری و بازداشت شخصی که متهم به ارتکاب جرمی شده خلاف قاعده است و در صورت لزوم دستگیری، نباید شخص بازداشت شده از دیگر حقوق خود همچون حق ارتباط با دنیای خارج محروم گردد. برای این امر باید ضابطه و معیاری به صورت ماهوی و شکلی وجود داشته باشد.

دلایل معقولی وجود داشته باشد مبنی بر اینکه آن شخص مستحق چنین قرار تأمین شدیدی باشد و دستگیری او برای یکی از مقاصد ذیل ضروری باشد: اطمینان از حضور او در محاکمه، اطمینان از اینکه شخص روند دادرسی را مختل نکند.

متهم تا زمانی که انتساب عمل مجرمانه به وی ثابت نشده است باید همانند سایر شهروندان تلقی شود و از آزادی برخوردار باشد و در صورتی که ضرورت ایجاد می کند که بازداشت شود نباید از تمام لحاظ در محدودیت باشد. متهم حقوقی دارد و همه ی عوامل و ضابطان دستگاه قضائی موظف اند آن را رعایت کنند.

از این رو تا هنگامی که ادله اتهامی علیه متهم به اثبات نرسیده و متهم در سایه اصل براءت باشد، باید قوانین به نفع وی تفسیر و از اعمال هرگونه محدودیت علیه وی خودداری شود ولی در صورتی که قانون دستگیری وی را لازم بداند، باید به ترتیبی باشد که متهم از سایر حقوق خود محروم نگردد و بتواند با دنیای خارج از بازداشت مخصوصاً خانواده در ارتباط باشد.

منابع:

الف) کتب

- ۱) احسان نژاد، امیر، ۱۳۹۷، سازوکارهای رسیدگی به جبران خسارت از متهمان بی گناه در نظام حقوقی ایران و آمریکا و انگلستان، تهران، انتشارات مجد
- ۲) اسدی، لیلا سادات و دژخواه، علی، محرمانگی اطلاعات فردی بزه دیده و شاهد و تعارض آن با حقوق دفاعی متهم، ۱۳۹۷، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد
- ۳) الهی منش، محمد رضا، ۱۳۹۱، قرار بازداشت موقت و جایگزین های آن در حقوق ایران و فرانسه، تهران، انتشارات مجد
- ۴) پهلوان، محمد جواد، ۱۳۹۶، درآمدی بر درک حق متهم در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی
- ۵) خالقی، علی، ۱۳۹۷، نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات شهر دانش



- (۶) خالقی، علی، ۱۳۹۶، جلد اول آیین دادرسی کیفری، چاپ سی و چهارم، تهران، انتشارات شهر دانش
- (۷) کوشکی، غلامحسین، ۱۴۰۰، آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی
- (۸) مصدق، محمد، ۱۳۹۹، قرار نهایی و تامین کیفری و نظارت قضایی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل
- (۹) وروانی و همکاران، ۱۳۹۸، حقوق متهم تحت نظری در نظام حقوق کیفری ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات مهرا ننگار
- (ب) مقاله
- (۱۰) مقدسی، محمد باقر و رضا قلی زاده، ابراهیم، جبران خسارت متهمان بازداشت شده بی گناه در نظام عدالت کیفری ایران و فرانسه، نشریه حقوق کیفری، دوره ۶، شماره ۲۳، ۱۳۹۷، صفحات ۱۱۱_ ۸۱
- (پ) پایان نامه
- (۱۱) رفعتی، فائزه، جبران خسارت از متهم بی گناه شناخته شده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، ۱۳۹۴